

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۶، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۹۷

آمبا، سرود ماهیگیران بلوچ

عبدالغفور جهاندیده^{*}

(دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۶، پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۶)

چکیده

سرزمین بلوچستان با وسعت زیاد و با دارا بودن اقلیم و آب و هوای متنوع و احاطه شدن با دریا و کوه و دشت و کویر، از مناطق مهم و پرشگفتی ایران است. زبان بلوچی با گویش‌ها و لهجه‌های گوناگون بر تنوع زیبایی‌های این سرزمین افزوده است. ادبیات شفاهی بلوچستان بسیار پریار است. انواع گوناگون ادبیات شفاهی از زمان‌های کهن رایج بوده است و همچنان رواج دارد. اشعار، سرودها و ترانه‌های زیادی از نسل‌های گذشته برجا مانده است که بخشی از هویت قوم بلوچ را تشکیل می‌دهد. آمبا سرود ماهیگیران بلوچ است که به صورت دسته‌جمعی، هنگام صید ماهی، آن را بر سطح دریا و درون لنچ‌ها و قایق‌ها می‌خوانند. این نوع شعر درواقع ترانه‌هایی است که اصطلاحاً به آن شعر کار می‌گویند. این ترانه‌ها دارای ساختار ویژه و مضامین گوناگون هستند. درباره بررسی بسیاری از سرودها و ترانه‌های محلی بلوچستان، به‌ویژه «آمبا» تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و در این مقاله، ضمن ارائه تعریفی از این نوع سروده، به بررسی ساختاری و محتوایی آن پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: ادبیات بلوچی، شعر عامیانه بلوچی، آمبا، ساختار آمبا، درون‌مایه آمبا.

۱. استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار (نویسنده مسئول).

* ajehandideh@yahoo.com

۱. مقدمه

بلوچستان سرزمین وسیعی است که در سه منطقه هم مرز بین کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان قرار دارد. این سرزمین با تنوع جغرافیایی و گوناگونی آب و هوا، دارای فرهنگ و آداب و رسوم متنوعی است. مردم بلوچستان دارای سه زبان بومی «بلوچی، براهویی و جدگالی» هستند. مهم‌ترین زبان رایج آنان، بلوچی است که خود دارای چندین گویش و لهجه‌های گوناگون است. بلوچستان ایران دارای دو ناحیه سرحد و مکران است. سرحد شامل شهرستان‌های زاهدان و خاش است و بقیه شهرستان‌ها – که در شرق و غرب و مرکز و جنوب استان واقع هستند – مکران را شامل می‌شوند. سواحل وسیع مکران جایگاه مردمی است که معاش بیشتر بومیان آن در دریا و از راه صید ماهی و شغل‌های مربوط به آن تأمین می‌شود.

زبان بلوچی یکی از زبان‌های گروه زبان‌های ایرانی کنونی است که بیشترین متکلمان آن در شرق ایران و در سرزمینی زندگی می‌کنند که سه کشور همسایه ایران، پاکستان و افغانستان را از نظر جغرافیایی بهم پیوند می‌دهد. این زبان دارای چندین گویش است و برخی از گویش‌های آن نیز دارای چند لهجه هستند. مهم‌ترین گویش بلوچی، گویش مکرانی است که در جنوب بلوچستان تکلم می‌شود و زبان ادب و شعر و کتابت و بهنوعی گویش معیار است.

ادبیات شفاهی بلوچی با قدمت چشمگیری که دارد شامل بسیاری از انواع ادبی است. این انواع، به‌ویژه شعر و منظومه، حضوری پرنگ در زندگی مردم بلوچ دارد. بلوج‌ها تاریخ و افتخارات گذشته خود را با شعر نگاه داشته‌اند و با اشتیاق فراوانی که به این هنر دارند، حفظ اشعار را نوعی امتیاز به‌شمار می‌آورند.

اگرچه ادبیات مکتوب بلوچی عمر و سابقه زیادی ندارد و به یک قرن نمی‌رسد؛ اما رو به رشد است؛ به‌ویژه در هفتاد سال اخیر با طراحی خط بلوچی، کتاب‌ها و نشریات فراوانی به چاپ رسیده است و همچنان ادامه دارد.

موسیقی رایج بین بلوج‌ها خصوصیاتی دارد که کمایش در اقوام دیگر بنا به شرایط اقلیمی‌شان مشاهده می‌شود. همه مراسم بلوج‌ها با موسیقی همراه است (ستایشگر، ۱۳۹۴: ۴۴۹).

پیوند موسیقی و شعر، تاریخی به قدمت تاریخ جامعهٔ بشری دارد. این دو موضوع و به‌طور کلی هنر، در ابتدا از پدیده‌هایی بودند که کاملاً حالت کاربردی در زندگی انسان-ها داشتند. هر چقدر به گذشته‌های دور برگردیم این ویژگی، یعنی کاربردی بودن هنر بیشتر روشن می‌شود. این موضوع ارتباط هنر اولیه با کار اجتماعی انسان‌ها و وسیله‌ای برای بهبود زندگی است و بیش از هر چیز، برای تخفیف مشکلات و مصائبی به کار می‌رود که انسان‌ها در مبارزه خودشان با طبیعت بی‌رحم یا مناسبات اجتماعی با آن‌ها مواجه می‌شوند. هر چه جامعه ساده‌تر باشد این‌گونه هنر رواج بیشتری دارد. آنچه امروزه از آن‌ها با عنوان «ترانه‌های کار» و «کارآوا» نام می‌بریم بقایایی از هنر ابتدایی مردم این سرزمین است (جعفری (قنواتی)، ۱۳۹۶: ۴۱۱).

یکی از انواع شعر عامیانهٔ بلوچ «آمبا» است. این شعر، سرود و ترانه‌هایی است که ماهیگیران در حین صید ماهی، به صورت دسته‌جمعی و سؤال و جواب می‌خوانند. سرایندهٔ هیچ کدام از آمباها معلوم نیست. این شعر دارای ساختاری متفاوت و درون‌مایه‌ای گوناگون است.

اما نوعی شعر است که در اصطلاح به آن «شعر کار» یا «کارآوا» می‌گویند. شعر کار به اشعاری گویند که در کارهای گروهی، برای نیرو گرفتن و خسته نشدن و ایجاد نظم در کار خوانده می‌شود. در بلوچستان این گونه اشعار در میان کارگران بعضی از مشاغل به‌ویژه کشاورزان و ماهیگیران رایج است. «این‌گونه اشعار در میان ایرانیان سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. بر اساس گزارش ابوالفرح اصفهانی بنایان و معماران ایرانی که در سده‌های نخستین اسلامی برای ساخت مسجد به مکه و شام دعوت شده بودند به هنگام کار به نغمهٔ پارسی ترنم می‌کردند» (همو، ۱۳۹۴: ۲۷۶).

۲. پیشینهٔ تحقیق

در بلوچستان دربارهٔ این موضوع تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، فقط نویسنده‌ای به نام فضل خالق در کتابی به نام *بُتکگ آنت سنج*^۱ تعدادی از آمباها را بدون پرداختن به بررسی ساختار و درون‌مایه آن‌ها، گرد آورده و به چاپ رسانده است. محمدرضا درویشی در کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران* چند صفحه‌ای

را به بحث درباره آوازهای کار و نیمه، در مناطق بوشهر و هرمزگان اختصاص داده است. منصور بهرامی در کتابی ۱۲۹ صفحه‌ای به نام نیمه سمعونی دریا و میترا خواجهیان در مقاله‌ای گزارش‌گونه با عنوان «نیمه؛ کارآوای ساحل‌نشینان بوشهر» با ذکر فقط یک نمونه از این سرود به زبان فارسی - که محتوای آن‌ها یاری خواستن از خدا و رسول و ائمه اطهار است - به بررسی و کاربرد این نوع سرودها در سواحل بوشهر پرداخته‌اند. محمود حیدریه مقاله‌ای با عنوان «نیمه ترانه کار دریایی» به بررسی و توضیح انواع این نوع سرود در میان دریانوردان بوشهری پرداخته است.

در این پژوهش، در گردآوری اشعار و سرودها بیشتر از تحقیقات میدانی استفاده شده است. از آنجا که تاکنون کسی به این مقوله نپرداخته و منبعی نیز در اختیار نبوده است، علاوه بر امباهايی که فضل خالق گرد آورده، از ماهیگران باتجربه محلی و کسانی که مدت‌ها در سواحل مکران به صید ماهی مشغول بوده‌اند، امباهايی دیگر را گرد آورده و از آن‌ها در زمینه شیوه کاربرد و چگونگی اجرای آن‌ها مصاحبه‌هایی کرده‌ایم. این در حالی است که این نوع شعر در حال فراموشی است و ماهیگران جوان آن را کمتر به خاطر دارند یا به کار می‌برند. مجموعه امباهايی که در این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازیم، ۴۲ امبا با مضامین گوناگون هستند که برخی از آن‌ها بلند و برخی دیگر کوتاه هستند.

۳. واژه آمبا

سیدهاشمی در واژه‌نامه بلوچی سیدگنج چیزی در معنی امبا ننوشته و تعریفی کوتاه برای آن ذکر کرده است: «ترانه‌ای است که ماهیگیران هنگام صید ماهی می‌خوانند» (۵۷: ۲۰۰۰). ستایشگر در کتاب واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین، ذیل واژه «آمبا» آورده است: «آوازی به معنی سرود دریاها که موطن اصلی آن هندوستان است. آواز مذکور هنگام هدایت قایقه‌ها از خشکی به آب، خوانده می‌شود» (۱۳۹۱: ۱۰۹). این پژوهشگر در جلد دوم این کتاب درباره واژه «آمبا» آورده است: در سواحل بلوچستان «آمبا، آهنگی با اجرای گروهی خاصِ ماهیگیران و مراحل صید است» (۱۳۹۴: ۴۵۰).

واژه آمبا می‌تواند برگرفته از عبارت «هایبا» باشد. هایبا عبارت کوتاهی است به معنی «بله بیا» که در متن برخی از امباها تکرار می‌شود و منظور از آن تشویق و تحسین ماهیگیران جهت صید ماهی یا کشیدن تور پر از ماهی از آب است. این‌گونه نام‌گذاری در برخی از ترانه‌های دیگر بلوچی هم به چشم می‌خورد؛ مانند «لارو^۳ و هالو^۴» که هر دو واژه در متن این ترانه‌ها تکرار می‌شود. همچنین، این واژه می‌تواند با «نهاما» هم‌ریشه یا بدل شده‌ای از آن باشد. در فرهنگ دریایی خلیج‌فارس واژه «نهاما» را به معنی «نام مطرپ یا نوازنده کشتی صید مروارید» و از قول سدیدالسلطنه آورده است: «در اصطلاح اهل غوص، مطرپ را نهاما بر وزن سهاما گویند و آن تغنى با شعار بنطيه کند و غواص‌ها را به شوق و ذوق آرد» (نوریخش، ۱۳۸۱: ۳۹۰).

در شهر بلوچ‌نشین جاسک به آمبا «نهم» می‌گویند. نهم گویا به قسمت جلو لنج می‌گویند و نهم خوان احتمالاً در آن جا می‌نشسته و این سرودها را می‌خوانده است.^۵ در برخی از مناطق خلیج‌فارس «نیمnym» عرشة کشتی، یک ثلث سطح لنج در قسمت دوم (به طرف عقب) و در بوشهر کابین ناخدا روی نیم ساخته می‌شود، بالای سطحه را نیم گویند» (همان، ۱۳۹۱). «به این نعمه‌ها در بوشهر نیمه neyme و در مناطق پیرامونی آن مانند خارک، انهم anham یا نهم می‌گویند» (خواجه‌ثیان، ۱۳۹۱: ۱۳۹). محمدرضا درویشی (۱۳۷۳: ۸۴) احتمال می‌دهد که نیمه، تغییریافته واژه نغمه باشد. این سرود در منطقه هرمزگان علاوه بر «نهم» به نام‌های دیگری نیز رایج است، «هولو یا مال، سنگلی، هی‌هامله، آسو، شرونده» که هر کدام از این‌ها به بخشی از مراحل صیادی اختصاص دارد (همان، ۱۳۸).

۴. ساختار

امبا شعری با ساختار گوناگون است، بیشتر شبیه قالب مستزاد فارسی است، به گونه‌ای که یک عبارت پس از هر مصراع می‌آید و این عبارت زائد دارای چند ویژگی است:

۱. بیشتر ثابت است و به ندرت تغییر می‌کند.

۲. می‌تواند معنی‌دار یا بدون معنی باشد. اگر معنی‌دار باشد، معمولاً نام خدا، اسم شخصی از اولیاء‌الله یا القاب آن‌ها (مانند حضرت علی، شاه مردان)، اسم پرنده و ...

است یا اینکه مصraigی هم وزن مصraig اصلی است. این عبارت ثابت گاهی بی معنی است و تنها به ضرب آهنگ شعر کمک می کند. «هیچ کس معنی دقیق این واژه ها را نمی داند. فاقد معنی به خصوصی اند و یا اینکه واژه های سُواحلی و آفریقا بی اند» (درویشی، ۱۳۷۳: ۹۰). واژه «یلّاسِه» یکی از همین واژه هاست که در برخی آمباها کاربرد دارد.

۳. می تواند به اندازه مصraig اصلی یا کوتاه تر یا بلند تر باشد.

۴. موزون است؛ اما وزن آن گاهی با مصraig اصلی متفاوت است.

نمونه ای از امبا:

بوجیگ منی زرا انت الله منی نگهپان^۷

bōjig mani zer ā ejt allāh mani negahpān

یلّا سِه

yallā se

زرگوّات یا ناشی یا که بیت توپان

zergwāt yā nāši yā ke bebit tūpān

یلّا سِه

yallā se

پُرعیب و پُرگناهین، بی پشت و بی پناهین

por ayb o porgonāhēj bēpošt o bēpanāhēj

یلّا سِه

yallā se

یارب بیکش ما را، نام انت تئیگ رحمان

yā rab bebakš mā ra nām ejt ta?ig rahmān

یلّا سِه

yallā se

برگردان: لنج من در دریاست و خداوند نگهدار من است، در برابر باد و توفان دریایی. پر از عیب و گناه هستیم، پشت و پناهی غیر از تو نداریم، ای خداوند ما را ببخش، نام تو رحман است.

امبای فوق هشت مصraigی است که چهار مصraig آن را نقل کرده ایم و می بینیم که یک عبارت ثابت سده جایی پس از هر مصraig آمده است و ظاهراً در بلوچی معنی ندارد و ماهیگیران صرفاً برای ایجاد هیجان، تکرار می کنند.

برخی از امباها به صورت سؤال و جواب هستند؛ تکخوان مصراج اصلی را به صورت سؤالی می‌خواند و افراد دیگر به صورت گروهی و هماهنگ پاسخ می‌دهند:

čē pollē	گوینده: چی پلی؟
āsomi pollē	جواب‌دهندگان: آسمی پلی
kay a dātag	گوینده: کی داتگ؟
delbar a dātag	جواب‌دهندگان: دلبر داتگ.
kojā dātag	گوینده: کجا داتگ؟
gwādar e šahr a	جواب‌دهندگان: گوادر شهر
kojā bastag	گوینده: کجا بستگ؟
jigsar a bastag	جواب‌دهندگان: جیگ سر بستگ. ^۸

برگردان: چه گلی است؟ / گل یاسمن است / چه کسی داده است؟ / دلبر داده است / کجا داده است؟ / [در شهر] گوادر داده است / [گل را] بر کجا بسته است؟ / بر گربیان بسته است.

امبا می‌تواند یک یا چندین بیت باشد؛ مثلاً قطعه زیر یک امباست که از دو مصراج تشکیل می‌شود. کسی به عنوان پیشخوان، مصراج نخست «شاگَ نَرَوتِ پِيشَ» را می‌خواند و گروه «بگر میش» را در جواب می‌خوانند و همین مصراج و عبارت تکرار می‌شود.

شاگَ نَرَوتِ پِيشَ	ش
be-ger mēš a	بگر میش
	.

برگردان: لنج ایستاده و حرکت نمی‌کند. [پس] میش ماهی[ها] را صید بکنید.

۱-۴. شیوه اجرای آمبا

شیوه اجرای سرودهای آمبا، آهنگین و بدون ساز است، به گونه‌ای که یکی از میان ماهیگیران، به عنوان تکخوان یا پیشخوان، مصراج اصلی را به صورت ملحون و گاهی با ریتمی تند می‌خواند و گروه همراهان (پاروزنان و جاشوها)، عبارت ثابت را به صورت گروهی در جواب آن می‌خوانند.

۴-۲. قافیه و ردیف در آمبا

در تعریفی که برخی از ادبیان و نویسندهای از شعر کرده‌اند، وزن و قافیه را ملازم همدیگر دانسته‌اند؛ برای نمونه، شمس قیس رازی می‌گوید: «سخن بی‌قافیت را به شعر نشمرند، اگرچه موزون باشد» (۱۳۸۸: ۲۲۱).

در تعریفی که در شعر فارسی از قافیه ارائه داده و آن را در اصل یک حرف و هشت تابع دانسته‌اند. حرف اصلی را روی نامیده و هشت حرف تابع را تأسیس و دخیل و ردف و قید و وصل و خروج و مزید و نایره خوانده‌اند و رعایت حرف‌های تأسیس و دخیل اختیاری و ۶ حرف دیگر و روی الزامی دانسته شده است. قافیه با این تعریف در هیچ یک از مصروعها و بیت‌های شعرهای باستانی و ایرانی میانه غربی و جود ندارد. گاهی در مصروعها و در بیت‌هایی واژه‌های پایانی به یک هجا پایان پذیرفتهد و گاهی هجاهای پایانی واژه‌های پایانی مصروعها و بیت‌ها هم‌آوا هستند. شعر مقfa و منظوم به نظم کمی پس از اسلام در ایران رایج گشته است. شعر عربی مقfa و منظوم به نظم کمی است و پیش از رواج شعر فارسی دری رایج بوده است و همین شعر بوده است که شاعران فارسی گو آن را سرمشق قرار داده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۶۴).

کاربرد قافیه در شعر آمبا یکسان نیست، گاهی رعایت می‌شود و گاهی همراه با بی‌نظمی است؛ به گونه‌ای که در برخی از مصروعها رعایت و در بعضی از آن‌ها رعایت نمی‌شود. گاهی با برخی از عیوب قافیه مانند اکفا، شایگان و تکرار همراه است و گاهی اصلاً قافیه‌ای در کار نیست و گاهی ردیف در جایگاه قافیه می‌نشیند.

در آمبا زیر که احتمالاً بخشی از آمبا بزرگ‌تری بوده، قافیه به درستی رعایت شده است.

šābā o šāri	شاباً أ شاري
ya allāh ya mardān	يالله يا مردان
čō narmazāri	چو نرمزاری
ya allāh ya mardān	يالله يا مردان
mard e šekāri	مردِ شکاری
ya allāh ya mardān ^۹	يالله يا مردان ^۹

برگردان: آفرین بر تو ای شاری / برخیزید ای مردان / مانند شیر نر / برخیزید ای
مردان / ای مردان شکاری / برخیزید ای مردان.

در امای زیر می‌بینیم که کلمات «زرانی، گُرگانی، بیاری، نرمزاری» قافیه شده‌اند و
همه دارای عیب ایطا هستند. کلمات اصلی «زر، گُرگ، بیار، نرمزار» است که قافیه‌های
اول و دوم و چهارم پسوند و قافیه سوم ضمیر است.

māhig zerāni	ماهیگ زرانی
yallā ?e mardān	یاالله ا مردان
ker gorragāni	کِر گُرگانی
yallā ?e mardān	یاالله ا مردان
kašš o beyāri	کشءُ بیاری
yallā ?e mardān	یاالله ا مردان
čō narmazāri	چو نرمزاری
yallā ?e mardān	یاالله ا مردان

برگردان: [برای صید] ماهی دریا / برخیزید ای مردان / صدای میش‌ماهی می‌آید /
برخیزید ای مردان / [ماهی‌ها را] بالا بکشید و بیاورید / برخیزید ای مردان / مانند شیر نر /
برخیزید ای مردان.

در امای زیر می‌بینیم که ردیف در جایگاه قافیه نشسته است، «انت» معادل فعل
ربطی «است» فارسی است که در مصروعهای اصلی بدون آنکه قافیه‌ای در کار باشد،
تکرار شده است.

nāzal gār eñt	نازل گار انت
man na-geñd-ān-i	من نه گندانی
kōh pa kōh eñt	کوه په کوه انت
man na-geñd-ān-i	من نگندانی
dāk pa dāk eñt	دک په دک انت
man na-geñd-ān-i	من نگندانی

برگردان: نازل (اسم زن) گم شده است / من او را نمی‌بینم / از کوهی به کوهی دیگر سرگردان است / من او را نمی‌بینم / از دشتی به دشتی دیگر سرگردان است / من او را نمی‌بینم.

۳-۴. قالب امبا

قالب شعر آمبا، قالب سنتی بلوچی است، واحد شعر در قالب سنتی بلوچی «بند» است که معادل مصراج فارسی است، با این تفاوت که بیت وجود ندارد و یک شعر می‌تواند هر چقدر کفایت کند به تعداد زوج یا فرد بند داشته باشد و اشعار را نیز ستونی می‌نویسن. این قالب در شعر سنتی و کلاسیک بلوچی، معمول بوده است و امروزه هنوز کاربرد دارد و از میان قالب‌های شعر فارسی بیشتر به بحر طویل و مثنوی شبیه است، به گونه‌ای که سراینده می‌تواند به تبعیت از مصراج نخست همه مصراج‌ها را هم قافیه کند یا اینکه در هر کجا تشخیص داد، قافیه را عوض کند؛ مثلاً اگر یک شعر بیست مصraigی را در نظر بگیریم، شاعر می‌تواند هر بیست مصraig را هم قافیه کند، یا اینکه سه مصraig نخست را هم قافیه و پنج مصraig بعدی را با قافیه‌ای دیگر و دو مصraig دیگر را متفاوت از بقیه و همین گونه بقیه را با قافیه‌های دیگر تا آخر ادامه دهد.

۴-۴. کیفیت وزن امبا

یکی از اصولی‌ترین، پابرجاترین و کهن‌ترین پایه‌های شعر وزن است. شعر و وزن دو همزادند که همراه با هم از مادر متولد شده‌اند، با هم رشد کرده‌اند و سال‌ها و قرن‌ها با هم زیسته‌اند، هنوز همراهند و در آینده نیز همراه خواهند بود و در این مدت طولانی، شعر بدون وزن خوانده نمی‌شده و وزن بدون شعر لباس هستی نمی‌پوشیده است (کرمی، ۱۳۸۹: ۳).

آمباها اشعاری موزون هستند؛ اما وزن آن‌ها یکسان نیست. «اصولاً درباره وزن ترانه‌های ایرانی، نظرات گوناگونی ارائه شده است، برخی آن‌ها را «عروضی» و بعضی «هجایی» و برخی دیگر تکیه‌ای دانسته‌اند» (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

بنیاد وزن کمی یا وزن عروضی بر تساوی تعداد هجاهای و نظم و تناسب میان هجاهای کوتاه و دراز در هر مصraig است (شیرینی، ۱۳۸۸: ۱۴۶۰).

نظم هجایی نظمی است که در هر مصراع شمار هجایها اساس نظم است. کوتاهی و بلندی و نظم قرار گرفتن هجایها اهمیت ندارد. شعر کلاسیک فارسی دری منظوم به نظم کمی [یا عروضی] است و آن بدین معنی است که شمار هجایها کوتاه و بلند و نظم قرار گرفتن آن‌ها یکی است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۵۴).

وزن ضربی یا وزن تکیه‌ای، بنیاد آن توأمًا بر تساوی تعداد هجایها و تساوی تکیه‌ها در هر مصراع است (شریفی، ۱۳۸۳: ۱۴۶۰).

درباره چگونگی وزن شعر بلوچی که در کدام دسته از انواع وزن قرار می‌گیرد، تحقیقات چشمگیری صورت نگرفته است؛ اما طبق پژوهش‌هایی که نگارنده^{۱۰} در این زمینه انجام داده است، شعر کلاسیک و معاصر بلوچی، به وزن کمی یا عروضی نزدیک‌تر است، اگرچه در آن، به میزان کمتر، نشانه‌هایی از وزن هجایی هم مشاهده می‌شود. اما اینکه وزن عروضی بلوچی، ذاتی است یا تأثیرپذیری آن از عربی است، جای بحث زیادی دارد که در گنجایش این مقاله نیست.

عروض بلوچی، علاوه بر دارا بودن قواعدی که در عروض فارسی است، ویژگی‌هایی دارد که خاص زبان بلوچی است؛ از جمله آن‌ها، واج نخست برخی از هجایها می‌تواند با ساکن آغاز شود و این واج جزو وزن به شمار نمی‌آید، برای نمونه، در دو مصراع زیر که از یک امبای ۲۶ مصراعی و موزون به وزن «فاعلن فاعلن» است، واژه‌های «گُوادری» و «تُرا» ابتدا به ساکن هستند. «ت» و «گ» به عنوان واج‌های آغازین جزو وزن به شمار نمی‌آینند: «آشلین گُوادری gwādari tāšolēn»، «اُ جِنک تُرا گُشان ow janek trā gošān» (فضل خالق، ۳۶۱: ۲۰۰۷).

آمبا هم به عنوان نمونه‌ای از اشعار عامیانه ایرانی، با توجه به اینکه آن را به صورت ملحون می‌خوانند دارای وزن‌ها و بحرهای ویژه‌ای است. با بررسی ۳۵ آمبا به این نتیجه رسیدیم که همه آن‌ها موزون هستند؛ اما به دلیل شفاهی بودن و تکرار و اجرای آن‌ها به وسیله افرادی که با شعر و موسیقی آشنایی نداشته‌اند، اشکالات وزنی و گاهی کوتاهی و بلندی مصراع‌ها در آن‌ها مشهود است. مثلاً قطعه زیر از قول سه تن از ناخدايان این گونه نقل شده است:

(الف)

jomb-et bačakkān	جُمبَت بِچَكَّان
aywallā	اَيْ وَالله
māhōr a kašš et	ماهورَ كَشَّ اَت

(ب)

māhōr e kaššag	ماهورِ كَشَّاگ
aywallā	اَيْ وَالله
mardān e kāreňt	مردانِ كَارِنْت

(ج)

kaššet māhōr a	كَشَّ اَتْ ماهورَ
aywallā	اَيْ وَالله
mardāne kāreňt	مردانِ كَارِنْت ^{۱۱}

این سه قطعه، به احتمال زیاد بخشی از یک امبای بزرگ‌تر بوده‌اند که به سه گونه نقل شده و معنی آن‌ها به این ترتیب است:

الف) «برخیزید ای دوستان، ای والله! تور [پُر از ماهی] را بالا بکشید».

ب) حالت مصدری دارد و به معنی «از آب کشیدن تور ماهی، ای والله! کار مردان است» است.

ج) تور ماهی را از آب بیرون بکشید، ای والله! [این] کار مردان است.

طول مصraigاهای اصلی غیر مکرر در آمبا بیشتر دورکنی است، البته یکرُکنی و سه‌رُکنی و چهاررُکنی هم وجود دارد. از میان ۳۵ امبا که بررسی وزنی و عروضی شدند، ۲۴ مورد دو رُکنی، ۵ مورد یکرُکنی، ۴ مورد سه‌رُکنی و ۱ مورد چهاررُکنی بودند.

قطعه زیر بخشی از یک امباست که مصraigah اصلی آن، که گوینده می‌خواند، یکرُکنی است و مصraigah ثابت، که جواب‌دهنگان گروهی تکرار می‌کنند، دورکنی است:

kōlwāhi	کولواهی
čolombān čaŋđēnit	چُلُمبان چَنْدِينیت
wat kandit	وت کندیت
čolombān čaŋđēnit	چُلُمبان چَنْدِينیت
برگردان: [دختر] کولواهی ^{۱۲} / گوشواره‌هایش را می‌لرزاند / خودش می‌خندد / گوشواره‌هایش را می‌لرزاند.	
کول / وا / هی -/-	
چ / لُم / بان / چَن / دی / نیت U -/- -/-	
وت / کن / دیت -/-	

وزن دو مصraig اصلی از امبا فوچ، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از:
مفعلن.

دو مصraig زیر که مصraig‌های اول و دوم یک امبا هستند، هر کدام از دو رکن تشکیل شده است:

koli-bāl-ēŋ janek	کُلی‌باليں جَنِك
ta-rā māt a jat-ag	تَرَا مَاتَ جَتَّگ
دختر چائک / تو را مادرت کتک زده است ...	
کُلی / با / لین ج / نک U -/- -/-	
ت / را / ما / ت / ج / تگ U -/- -/-	
وزن دو مصraig فوق، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از: مفاعیلن، فعل. (بحر هرج).	

دو مصraig زیر که مصraig‌های اول و دوم یک امبا هستند، هر کدام از سه رکن تشکیل شده‌اند:

šābāš eŋt janek tai mā ta	شاباش إنت جَنِك تئى ماتَ
pēdāki kotag sawgāt a	پیداکى كُنگ سوگاتَ
ای دختر، آفرین بر مادرت باد / که تحفه‌ای مانند تو را به دنیا آورده است.	
شا / با / شِنت / ج / نک / تَى / ما / تَ	

پی/دا/ کی/ک/ تگ/سو/ گا/ت

U /-/ -/ U /-/ -/ -

وزن دو مصراح فوق، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از «مفعلن، مفاعیلن، فع» (بحر هرج).

دو مصراح زیر که مصراح‌های اول و دوم یک امبا هستند، هر کدام از چهار رکن تشکیل شده‌اند:

بوجیگ منی زرا انت الله منی نگهپان

bōjig mani zer ā eñt allāh mani negahpān

زرگوات یا ناشی یا که بیت توپان

zergwāt yā nāši yā ke bebit tūpān

برگردان: لِنْج من در دریاست و خداوند نگهدار من است/ در برابر باد و توفان

دریایی ...

بو/جیگ/م/ نی ز/ را/ انت/ ال/لا/ م/ نی ان/ گه/بان

-/-/U -/-/U -/-/U -/-/U

زر/گوا/ ت/ يا/ نا/ شی/ ب/ بی/ ت/ تو/ پان

-/-/U -/-/U -/-/U -/-/U

وزن دو مصراح فوق، کمی یا عروضی است و ارکان آن عبارت‌اند از: مستفعلن، فعلن/مستفعلن فعلن.

بعضی از آمباها دارای دو یا سه وزن هستند، به‌گونه‌ای که بخشی از آن دارای یک وزن و بخش دیگر آن، با اضافه یا کم شدن یک هجا به ارکان آن دارای وزنی دیگر است؛ مثلاً آمبایی با مصراح «أُ جنک، أُ جنک ow janek ای دختر، ای دختر» (فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۱) و وزن آن «فاعلن فاعلن» است و مصراح سیزدهم و پانزدهم «فاعلن، مستفعلن»؛ «چو مکن نادلسري čō makan nādelsari» (همانجا) (مصراح چهاردهم تکرار است) و مصراح هفدهم آن تغییر کرده است و به وزن «مستعملن، مستعملن» و همچنین مصراح‌های نامکرر دیگر تا پایان به همین وزن می‌آیند: «کمّو بچار اُ مهپری kammow bečār ow mahpari ای زیبارو کمی نگاه کن» (همان) شاید دلیل تغییر وزن به ترتیب در مصراح‌ها، تندتر شدن ریتم و لحن خواندن سرود است.

پس از بررسی‌های امباها مورد نظر، به این نتیجه می‌رسیم که وزن غالب آن‌ها کمی یا عروضی است؛ اما همچنان که گفتیم این سرودها چون ملحوظ هستند، بر اثر تکرار زیاد، تغییراتی در هجاهای آن‌ها ایجاد شده است که گاهی این تغییرات، وزن را به هم می‌زنند و به هجایی نزدیک‌تر می‌کند که البته با اختیارات وزنی یا شاعری می‌توان بیشتر آن‌ها را به وزن عروضی درآورده. بیشترین بحرهایی که در آمباها به کار رفته است، هزج، رجز، بحر متقارب اثلم (فعُلْ فعُولُنْ) و متدارک هستند، البته اوزان دیگری مانند خفیف و رمل هم کاربرد دارند.

گفتنی است در هر آمبا متوسط مثلاً ۲۰ مصraigی، شاید بتوان یک یا دو مصraig را پیدا کرد که در آن‌ها یک رکن، یک هجای اضافه داشته باشد و و با هیچ اختیاری قابل تغییر نباشد. دلیل این روند، همچنان که گفتیم، تکرار این اشعار و شفاهی بودن آن‌هاست.

۵. درون‌مایه

درون‌مایه آمبا گوناگون است. هر موضوعی که بتواند ماهیگیران را برای صید ماهی یا شتاب در حرکت رفت و برگشت در دریا تشویق کند محتوای این نوع شعر را شامل می‌شود. برخی از این موارد را که بسامد بیشتری دارند در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱-۵. شوق رسیدن به منزل و خانواده و همسر و دوست
ماهیگیران در سفر دریایی دور و درازی که دارند و هفته‌ها طول می‌کشد، دلتانگ عزیزان خود می‌شوند و در آستانه یا در حین برگشت آمباها ی را که می‌خوانند در همین موضوع است:

او یاسِه ow yāse

یله سه yalle se

بتیل ات betayl et

یله سه yalle se

گُوادر پیداکِ ان لال جنگانی gwādar pēdāk eñt lāl janekkāni

yalle se يَلْهَ سِه
 paŋseni porganjēŋ amieāni پنسینی پرگنجین امیرانی
 yalle se يَلْهَ سِه
 mēdjanekkāŋ tayābgwar a gard aŋt میدجنکان تیاب گور گردانت
 yalle se يَلْهَ سِه
 mālōŋ gāŋ nē ke dōst kanāŋ yakkē مالون گون نی که دوست کنان یکی
 yalle se يَلْهَ سِه
 dōst kaāŋ šāri ya donāni ya دوست کنان شاری ڏنانی
 yalle se يَلْهَ سِه
 bānok a mesk o mehlabāni ya بانک مسک و مهلبانی
 yalle se يَلْهَ سِه
 dēm a pēdāk eŋ jēmaři bāgēŋ بیداک ان جیمری باگین
 yalle se يَلْهَ سِه
 kōh e post o baŋdan jollāb a کوه پُشت و بندن جُلَاب
 yalle se يَلْهَ سِه
 morg tarā ezzat dayāŋ šarrēŋ مُرگ ترا عزّت دیان شرین
 yalle se يَلْهَ سِه
 mayl pa brēs e baŋden a tarrēŋ میل په بُریس بندن ترین
 yalle se يَلْهَ سِه
 neštag aŋt kādōk o morid dorrēŋ نشتمگ آنت کادک و مُرید ڈرین
 yalle se يَلْهَ سِه
 syākō a taw gōŋ salahāŋ gwāzēŋ سیاکو تو گون سیلهان گوازین
 yalle se يَلْهَ سِه
 dāŋ ramin a o had e čahbār a داں رَمِین و حد چهبار
 yalle se يَلْهَ سِه
 čahbār e beldiŋ zāher aŋt nakšēŋ چاهبار بلندگ زاهر آنت نکشین

یله سه^{۱۳} yalle se

برگردان: او یاسه/ یله سه/ حرکت کنید/ یله سه/ شهر گوادر با دختران زیبایش از دور پیداست/ یله سه/ و شهر پستی پرگنج و امیرنشین/ یله سه/ دختران ماهیگیران بر کنار ساحل می‌گردند/ یله سه/ پول ندارم که یکی از آن‌ها را دوست گردانم/ یله سه/ بالاخره «شاری» را به عنوان دوست برمی‌گزینم/ یله سه/ آن بانوی باسلیقه را/ یله سه/ جلوتر شهر جیونی پیداست/ یله سه/ پشت کوه و بندر جلاب/ یله سه/ ای پرنده تو را گرامی می‌دارم/ یله سه/ رو به سوی بندر بربس برو/ یله سه/ کادک و مرید در آن‌جا نشسته‌اند/ یله سه/ از سیاه‌کوه نیز بگذر/ یله سه/ تا بررسی به شهر رمین و چابهار/ یله سه/ ساختمان‌های منقش چابهار از دور پیداست/ یله سه.

۲-۵. عاشقانه

محتوای برخی از امباها عاشقانه است، توصیف دلدار و شکوه از بی‌وفایی و بی‌توجهی او مهم‌ترین بخش این گونه امباها را تشکیل می‌دهد.

شاباش إنت جنك تئي ماتَ šābāš eñt janek tai māt a

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

پيداگي كُنگ سوگاتَ pēdāg i kotag sawgāt a

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

آبو چاردهي ماه كپَ abbō čārdahi māh e kapp

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

زهر إنت و نجت گون من گپ zahr eñt o najant gōŋ man gap

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

آبو چاردهي ماه چند abbō čārdahi māh e čoñd

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

باگاني كپودر سبزین bāgāni kapōdar sabz-ēñj

کپینجر^{۱۴} kapinjar a

طوطى زيمرو وش لبزين tūti zēmer o wašlabzēñj

کپینجر a kapiñjar a

إسپیتین گُشی نودی شل espētēŋ gošay nōdi šal

کپینجر a kapiñjar a

گندیم گونگین گُرکی تل gandēmgōnagēŋ grakki tal

کپینجر a kapiñjar a

چارات په کی بیت مهتل čār et pa ka ya bit mahtal

کپینجر a kapiñjar a

برپین جمَّانی ترونگل^{۱۵} barpēŋ jammarāni trōŋgal

برگردان: آفرین بر مادر تو باد / که تحفه‌ای مانند تو را به دنیا آورده است / ای وای
که ماه شب چهارده (دلدار) / قهر است و با من حرف نمی‌زند / شگفترا از تو ای پاره ماه /
ای کبوتر چاهی باغ / که مانند طوطی خوش سخن و شیرین زبان و / مانند ابر سفید
باران‌زا آرام بخش / گندم گونه و نازک مانند ساقه نورسته نخل هستی / ببینید که متظر چه
کسی می‌ماند / دلداری که مانند تگرگی است که از توده ابر سفید می‌بارد.

۵-۳. یاری خواستن از خدا و اولیاء الله

بخش مهمی از آمباها را سرودهای مذهبی تشکیل می‌دهد و این گونه سرودها بیشتر اذکاری هستند که به واسطه آن‌ها از خداوند یاری می‌خواهند که صید بیشتری به دست بیاورند. در آمبای زیر واژه «بدی beday» همان «بده» فارسی و در معنی «ببخش و عطا کن» است که همراه با صفات خداوند آمده است. ماهیگیران از خداوند می‌خواهند که صید بیشتر و بهتر به آن‌ها عطا کند.

بسم الله / لا اله الا الله // بدی الله / لا اله الا الله // بدی مولا / لا اله الا الله // بدی خالق / لا اله الا الله // بدی مالک / لا اله الا الله // بدی رازق / لا اله الا الله // بدی ستار / لا اله الا الله // بدی غفار / لا اله الا الله (فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۸).

۵-۴. تشویق ماهیگیران

ماهیگیران برخی از آمباها را برای گریز از تبلی و انگیختن همدیگر جهت تحرک و سرعت بیشتر می‌خوانند. این گونه آمباها بیشتر دارای لحن حماسی هستند.

mard e šekārān	مردِ شکاران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
dekkawān dārān	دکوان داران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
māhig helārān	ماهیگ هلاران
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
kaššet byārān	کشـ اـت بـیـارـان
yā allā yā mardān	یاالله یا مردان
čō narmazārān	چو نرمزاران

برگردان: مردان شکاری / همت کنید ای مردان / در برابر سختی ها می ایستند / همت کنید ای مردان / ماهی های حلال را / همت کنید ای مردان / [از آب] بیرون می کشنند و می آورند / همت کنید ای مردان / مانند شیران نر.

۵-۵. گزارش احوال سفر

ماهیگیران در سفرهای دور و دراز، احوال سفر، ماجراهای و حوادث مهم را در سروده های خود، بازگو می کنند و در حین گزارش، از شهرها و آب هایی که در آنجا به ماهیگیری پرداخته اند یا تصمیم دارند به آن شهرها بروند، نام می برند. برخی از شهرهای مذکور خارج از دریای مکران و در کشورهای دیگری است.

بندر^{۱۶} مصیرا^{۱۷} اـنـت

bandar Masirā ejt	آه الله
āh allā	آه الله
gōrāni jāgāh ejt	گـورـانـی جـاـگـاهـ اـنـت
āh allā	آه الله
māhig a ṭallāh	ماهـیـگـ تـلـاـهـ
āh allā	آه الله
Kādok a tir wārt	کـاـذـکـ ءـتـیرـ وـارـت
āh allā	آه الله

برگردان: [این جا] بندر مصیر است / یا الله / جایگاه شیرماهی هاست / یا الله / [تور]
ماهی ها را خالی کن / یا الله / کاڏک [در این جا] تیر خورد / یا الله.

ای ڪُجھی میلِ انت ē kojey mēl eñt

بنگالَ Bañgāl a

رنگون^{۱۹} نولِ انت Rañgon a nawl eñt

بنگالَ Bañgāl a

ای ڪُجا رَوتِ انت ē kojā rawt eñt

بنگالَ Bbañgāl a

...

برگردان: این کشتی از کجاست؟ / از بنگال / برای رفتن به شهر رنگون کرایه شده
است / از بنگال / این به کجا می‌رود / به سوی بنگال

۵-۶. موارد دیگر

غالب محتوای آمباها مطالبی است که برشمردیم. موضوعات دیگری نیز محتوای آمباها را تشکیل می‌دهند که بیشتر به طور پراکنده در این سرودها ظاهر می‌شوند.
ماهیگیران گاهی برای شادی و سرگرمی، سرودههایی می‌خوانند که دارای محتوای طبیت‌آمیز باشد.

شمسِ نادانین جِنک řamsal ay nādān-ēñ janek

مَجْنَىٰ که مَاتَهُ وَتَجَّنَّجَ majan i ke māt a wat jatag

مَاتَهُ بُلُوهِي گَارَ كُتَّنَگَ māt e polōh i gār kot-ag

مَجْنَىٰ که مَاتَهُ وَتَجَّنَّجَ majan i ke māt a wat jatag

سَبْزَلِ سِيرِي نَاجَ كَنَگَ sabzal e sir i nāč kotag

مَجْنَىٰ که مَاتَهُ وَتَجَّنَّجَ majan i ke māt a wat jatag

...

برگردان: دختر نادان شمسیل / را نزن، که مادرش خود، او را زده است / زیور «پلوه ۲۰»
مادر را گم کرده است / او را نزن که مادرش خود، او را زده است / در عروسی سبز
رقصیده است / او را نزن که مادرش خود، او را زده است

ناز مکن نازی	nāz ma-kañ nāzi
تئی ناز رچ آنت	tai nāz reč-añt
کمکی آپ	kamm-ok-ē āp a
تئی ناز رچ آنت	tai nāz reč-añt
کمکی چاه	kamm-ok-ē čāh a
تئی ناز رچ آنت	tai nāz reč-añt
کمکی تمباک	kamm-ok-ē tambāk a

...

برگردان: نازی! ناز نکن / نازت از بین می‌رود / کمی آب بده ... / نازت از بین
می‌رود / کمی چایی بده / نازت از بین می‌رود / مقداری تباکو بده / نازت از بین می‌رود
...

۶. نتیجه

در این پژوهش تعداد چهل آمبا را از نظر ساختاری و محتوایی بررسی کردیم و سرانجام به این نتیجه رسیدیم که قالب شعر آمبا - اگر مصراعهای تکرارشونده آن را در نظر نگیریم - «ستی بلوچی» است. قافیه در شعر آمبا مانند بسیاری از اشعار عامیانه، دارای قواعد شعر رسمی نیست؛ بعضی از اشعار فاقد قافیه هستند و برخی فقط به ردیف بسنده کرده‌اند، بعضی دیگر قافیه‌دار هستند. در بسیاری از موارد، قافیه‌ها اگرچه از نظر قواعد قافیه در شعر رسمی، دارای عیوب هستند؛ اما از نظر موسیقی با هم‌دیگر همخوانی دارند.

وزن در شعر عامیانه آمبا، با بررسی‌هایی که صورت گرفت، به وزن کمی یا عروضی بیشتر گرایش دارد تا اوزان دیگر. اگرچه مصراعهای گاهی با کمی یا بیشی هجا رو به رو هستند؛ اما با کاربرد اختیارات وزنی و شاعری، می‌توان آن‌ها را به شکل عروضی

برگرداند. بیشتر وزن‌های به کاررفته در آمبا، هزج، رجز و متقارب اثلم (فعل نفعولن) هستند، البته اوزان دیگری مانند خفیف و رمل هم کاربرد دارند. وزن هجایی در تعدادی از آمباها هم مشاهده می‌شود؛ اما به دلیل موسیقایی بودن اشعار، با کوتاه و بلند کردن هجایها، هنگام تلفظ یا آوازخوانی، آن‌ها را می‌توان به وزن عروضی برگرداند.

درون‌مایه آمباها گوناگون است. با توجه به اینکه کارکنان لنج در سفر دور و دراز هستند، شوق رسیدن به شهر و خانه خود در آن‌ها موج می‌زند. بسیاری از آن‌ها جنبه عاشقانه دارند؛ توصیف اندام دلدار و شکوه از بی‌وفایی و عدم توجه او مهم‌ترین موضوع این نوع آمباست. یاری خواستن از خدا و اولیاء‌الله محتوای بعضی از آمباها را تشکیل می‌دهد. موارد دیگری نیز از قبیل طیت و طنز و شوخی و گزارش سفر درون‌مایه آمباها را شامل می‌شود.

پانوشت‌ها

۱. این کتاب «*jāñt sanj̄ botkag*» (رنگین‌کمان ظاهر شده است) به زبان بلوجی است و در پاکستان به چاپ رسیده است.
۲. *ombā*
۳. *lāfō*
۴. *hālō*
۵. «لارو» و «هالو» نام دو نوع ترانه است که در مراسم شاد عروسی به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند. لارو با کلمات ظاهراً بی‌معنی «لاری لرو لارو لیلرو» و امثال آن و هالو با الفاظ «هلو هالو» آغاز می‌شود. به همین دلیل نام این آهنگ‌ها را این‌گونه گذاشته‌اند. این کلمات در وزن و ریتم ترانه‌ها تأثیر بسزایی دارند.
۶. اطلاعات مربوط به واژه «نهم» را از آقای خدادبخش زومکی جاسکی، محقق جاسکی گرفته‌ام.
۷. این آمبا را شادروان استاد غلامرسول دینارزه‌ی، آهنگ‌ساز و خواننده ترانه‌های بلوجی، آهنگ‌سازی و اجرا کرده و این مستله سبب شهرت آن شده است
۸. به نقل از فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۶۴
۹. نقل از مرادبخش.
۱۰. نگارنده با بررسی صدھا شعر بلند و کوتاه کلاسیک و معاصر بلوجی، همراه با نمونه‌های گوناگون به این نتیجه رسیده است که شعر بلوجی دارای وزن کمی یا عروضی با ویژگی‌های خاص این زبان است. این تحقیق به شکل کتاب آماده است؛ اما به چاپ و نشر نرسیده است.

۱۱. این آمباها، به ترتیب از یعقوب، نبی بخش و عبدالی نقل کرده‌ایم که از ناخدايان و جاوشاهی سواحل چابهار هستند.
۱۲. نام شهری است که امروزه در بلوچستان پاکستان واقع شده است.
۱۳. این آمبا را برکت برده و فضل خالق نیز در کتاب خود (ص ۳۸۰) نیز آورده است.
۱۴. کپینجر به معنی بلدرچین است و مجازاً در معنی یار زیبا به کار رفته است و در معنی شعر به علت تکرار ذکر نمی‌شود.
۱۵. به نقل از فضل خالق، ۲۰۰۷: ۳۴۹
۱۶. این آمبا به نقل از «یعقوب طارم و مولا بخش غلامی»، ماهیگیران چابهاری، است.
۱۷. - المصیره (به عربی: ولاية المصيره) یکی از شهرستانهای منطقه شرقی در کشور پادشاهی عمان است (ویکی‌پدیا).
۱۸. کاذک مخفف نام‌های قادربخش، قادرداد و عبدالقدار است. گویند این شخص مورد اصابت گلوله سپاهیان کشور عمان قرار گرفته است (به نقل از یعقوب طارم).
۱۹. شهر رنگون در گذشته پایتخت برم و امروزه یکی از شهرهای بزرگ میانمار است.
۲۰. پُلُوه polōh نوعی زیور نقره‌ای بوده است که زنان بلوچ در گذشته بر بینی تعییه می‌کردند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳). شعر در ایران پیش از اسلام. تهران: طهوری.
- بهرامی، منصور (۱۳۹۰). نیمه سمهونی دریا. تهران: آینه کتاب.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران. چ ۲. تهران: سروش.
- جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۴). درآمدی بر فولکلور ایران. تهران: جامی.
- ——— (۱۳۹۴). «آواهای دریانوردان جنوب». فرهنگ موسیقی کار در ایران (مجموعه مقالات آوازها و نغمه‌های کار در ایران). تهران: سوره مهر.
- خواجه‌ثیان، میترا (۱۳۹۱). «نی مه کارآوای ساحل‌نشینان بوشهر». فرهنگ مردم ایران. ش ۲۸ و ۲۹. صص ۱۳۷ - ۱۴۸
- درویشی، محمدرضا (۱۳۷۳). مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران. تهران: حوزه هنری.
- ستایشگر، مهدی (۱۳۹۱). واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین. ج ۱. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- ——— (۱۳۹۴). واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین. ج ۲. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- سیدهاشمی، ظهورشاه (۲۰۰۰). سیدگنج. کراچی: آکادمی سیدهاشمی.

- شریفی، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی. چ ۳. تهران: فرهنگ نشر نو و انتشارات معین.
- شمس قیس رازی (۱۳۸۸). المعجم فی معاییرِ اشعار العجم. به تصحیح سیروس شمیسا. تهران: نشر علم.
- فضل خالق (۲۰۰۷). بتکگ آنت سنج. پاکستان: آکادمی بلوچی کویته.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۸۹). عروض و قافیه در شعر فارسی. چ ۳. شیراز: دانشگاه شیراز.
- نوربخش، حسین (۱۳۸۱). فرهنگ دریایی خلیج فارس. تهران: امیرکبیر.

Ambā, Baloch Fishermen's Song

Abdol Qafour Jahandideh^{*1}

1. Assistant Professor/ Chabahar Maritime University.

Receive: 8/10/2017 Accept: 27/05/2018

Abstract

Having a vast area with a variety of climate, Baluchistan has been surrounded by the sea, mountains, plain and desert and is one of the most important and surprising regions in Iran. With regard to its diverse dialects and accents, Balochi language makes these beauties more prominent. Baluchistan is so reach in oral literature. Different types of oral literature have been current till now. There has been a lot of songs and lyrics from last generations as a part of Balochi identity. Ambā is the song of Balochi fisherman when they go fishing. This type of songs belong to the category of work lyrics. These songs have a special structure and various themes. So far no research has been conducted on the examination of many local songs in Baluchistan, especially "Ambā". In addition to present a definition of this type of poem, the authors have examined its structure and content.

Keywords: Balochi Literature, Balochi folk poem, Ambā, Ambā structure, Ambā content.

*Corresponding Author's E-mail: ajehandideh@yahoo.com

